

ششمین نشست از سلسله گفتگوهای نهادهای جمهوریخواه



جنبش جمهور خواهان دموکرات و لایچک ایران

بحث و گفتگوی نهادهای جمهوریخواه جهت رسیدن به دیدگاه‌های مشترک برای همکاری، همفکری و همگرایی

ششمین نشست از سلسله گفتگوهای نهاد های جمهوریخواه، برای روشن کردن نظرات و دیدگاه‌ها و برنامه‌های آنان در راستای همفکری، همگرایی و همکاری با دیگر نهادهای مشابه، روز سه شنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۵ (از ساعت ۲۰ تا ۲۲:۰۰ به وقت اروپای مرکزی)، در زوم برگزار می شود.

در این نشست «شبکه همگرایی جمهوری خواهان سکولار دموکرات ایران»، به تشریح دیدگاه‌های خود در زمینه‌های چگونگی همکاری و همگرایی بین جمهوری‌خواهان، مشکلات و موانع موجود خواهد پرداخت.

این نشست‌ها هر دو هفته یک بار در روزهای سه شنبه، به مدت دو ساعت (از ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۲:۰۰ به وقت اروپای مرکزی) برگزار می‌شوند. در هر نشست یک نهاد جمهوری‌خواهی به طرح و تشریح نظرات خود می‌پردازد.

امید است که نهادهای جمهوریخواهی به دیدگاه‌های مشترکی برای همکاری و همگرایی برسند.

یادآوری ۱ : تاکنون جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب جمهوریخواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران، نهاد همگرایی جمهوریخواهان ایران - استکهلم، جامع اسلامی ایرانیان و حزب چپ ایران دیدگاه‌های خود را ارائه داده‌اند.

یادآوری ۲ : این نشست‌ها علنی، شرکت در آن برای همگان آزاد و با پرسش و پاسخ حضاران همراه است.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۰ ژانویه ۲۰۲۵

آدرس اتاق زوم

<https://us02web.zoom.us/j/88970092516?pwd=EpxbHvT3ubCngpZwKUyUdMujpoFmF2.1>

Meeting-ID: 889 7009 2516

Kenncode: 852708

دستکم ۹۰۱ نفر در سال ۲۰۲۴ در
ایران اعدام شدند



UNITED NATIONS
HUMAN RIGHTS
OFFICE OF THE HIGH COMMISSIONER



کمیسی عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

سه‌شنبه 18 دی 1403 - 7 ژانویه 2025

کمیسی عالی حقوق بشر سازمان ملل موج اعدام در ایران را "نگران‌کننده" خواند. در سال گذشته میلادی ۹۰۱ نفر، از جمله ۳۱ زن، در ایران اعدام شدند. این تعداد بالاترین شمار اعدام‌ها در ایران از سال ۲۰۱۵ بدین‌سو محسوب می‌شود.

طبق گزارش دفتر حقوق بشر سازمان ملل که روز سه‌شنبه ۷ ژانویه (۱۸ دی) منتشر شد، بیشتر اعدام‌های سال ۲۰۲۴ در ایران مربوط به جرایم مرتبط با مواد مخدر بوده‌اند، اما مخالفان سیاسی و افرادی که با اعتراضات جنبش "زن، زندگی، آزادی" در ارتباط بودند نیز در میان اعدامی‌ها دیده می‌شوند.

اعتراضات گسترده سال ۱۴۰۱ پس از قتل مهسا ژینا امینی در بازداشت نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی آغاز شد که در جریان آن صدها معترض کشته و زخمی و ده‌ها هزار نفر بازداشت شدند.

فولکر تورک، کمیسی عالی حقوق بشر سازمان ملل، در بیانیه‌ای مطبوعاتی از افزایش اعدام‌ها در ایران ابراز نگرانی کرد و گفت: «بسیار نگران‌کننده است که باز هم شاهد افزایش شمار افرادی هستیم که هر ساله در ایران به مجازات اعدام محکوم می‌شوند. زمان آن فرارسیده که ایران روند فزاینده اعدام‌ها را متوقف کند.»

طبق گزارش سازمان ملل، در مجموع دست‌کم ۹۰۱ نفر در سال گذشته میلادی (۲۰۲۴) در جمهوری اسلامی به دار آویخته شده‌اند. این تعداد بالاترین شمار اعدام‌ها در ایران از سال ۲۰۱۵ بدین‌سو محسوب

می‌شود. در آن سال ۹۷۲ نفر اعدام شده بودند. جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۳ نیز ۸۵۳ نفر را اعدام کرده بود.

هیأت دیپلماتیک ایران در ژنو به درخواست سازمان ملل برای اظهارنظر درباره این بیانیه پاسخی نداده است.

لیز تروسول، سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل، در نشست خبری در ژنو گفت، حداقل ۳۱ زن در سال ۲۰۲۴ در ایران اعدام شده‌اند که به گفته او، بیشترین شمار اعدام زنان در دستکم ۱۵ سال گذشته در جمهوری اسلامی بوده است.

او افزود: «اتهام اکثر محکومان این پرونده‌ها قتل بوده است. تعداد قابل توجهی از این زنان قربانی خشونت خانگی، کودک‌همسری یا ازدواج اجباری بوده‌اند.»

تروسول افزود، یکی از زنانی که به اتهام قتل اعدام شده، شوهرش را برای جلوگیری از تجاوز به دخترش به قتل رسانده بوده است.

پیشتر نیز سازمان حقوق بشر ایران در گزارشی تحقیقی به آمار زنان اعدام‌شده در ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ میلادی (۱۳۸۹ تا ۱۴۰۳ شمسی) پرداخته بود. طبق این گزارش، در طول این ۱۴ سال، دستکم ۲۴۱ زن در ایران اعدام شده‌اند. بیشتر این اعدام‌ها مربوط به اتهام قتل و جرائم مواد مخدر بوده‌اند.

برگرفته از سایت دویچه وله

سه‌شنبه 18 دی 1403 - 7 ژانویه 2025

سالروز حمله تروریستی اسلامی به

دفتر مجله شارلی ابدو و قتل 8 روزنامه نگار کاریکا توریست



دهمین سالروز حمله به دفتر نشریه شارلی ابدو در پاریس در 7
ژانویه 2015 و قتل 8 روزنامه نگار و کاریکا توریست توسط تروریسم
اسلامی.

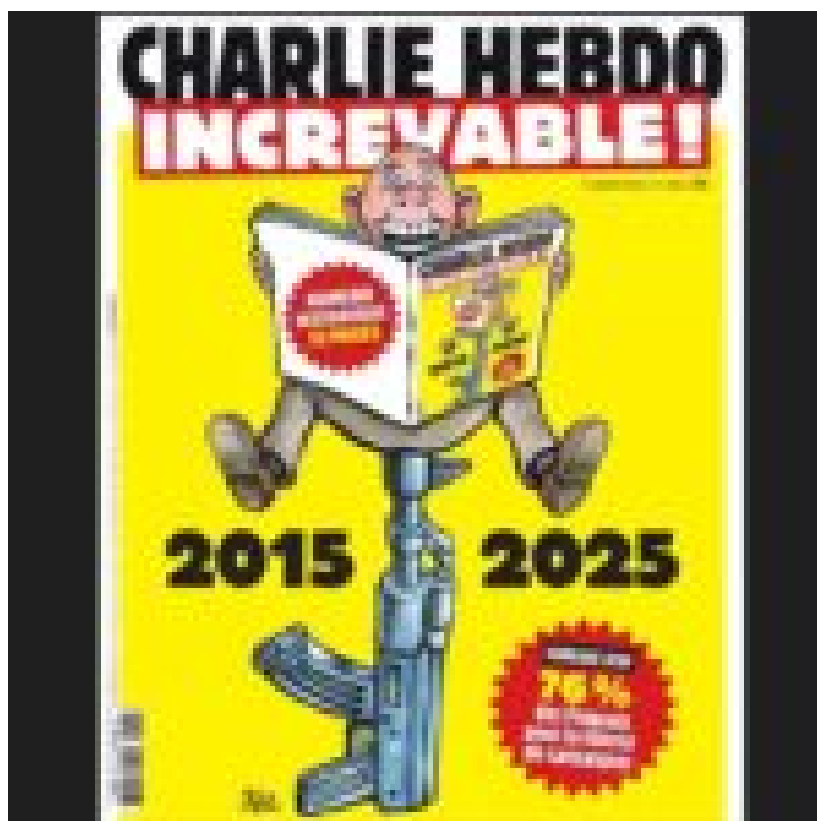
«آری، می‌توان خدا را به سخره گرفت، به ویژه اگر و
جود داشته باشد»

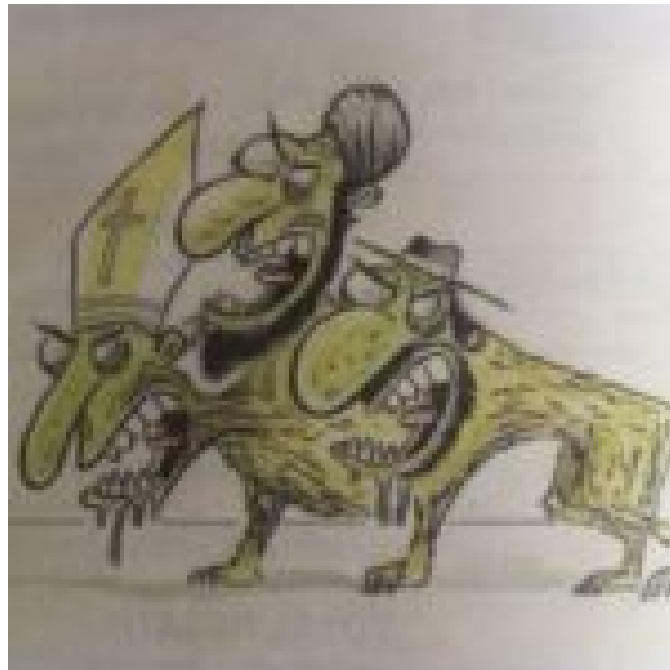
(شارلی ابدو، شماره ویژه
دهمین سالروز حمله تروریستی ۷ ژانویه ۲۰۲۵)

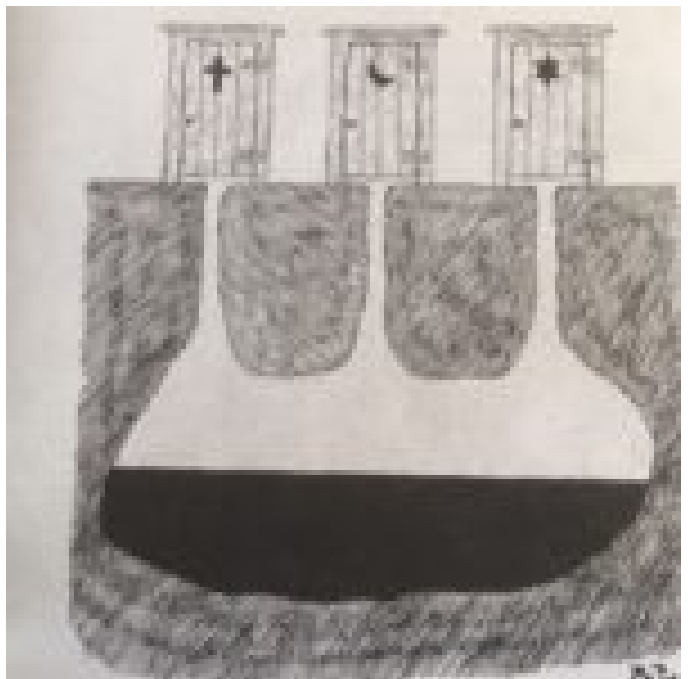
هر زمان و هر جا، از آزادی بیان، از جمله کفرگویی
دفاع کنیم!

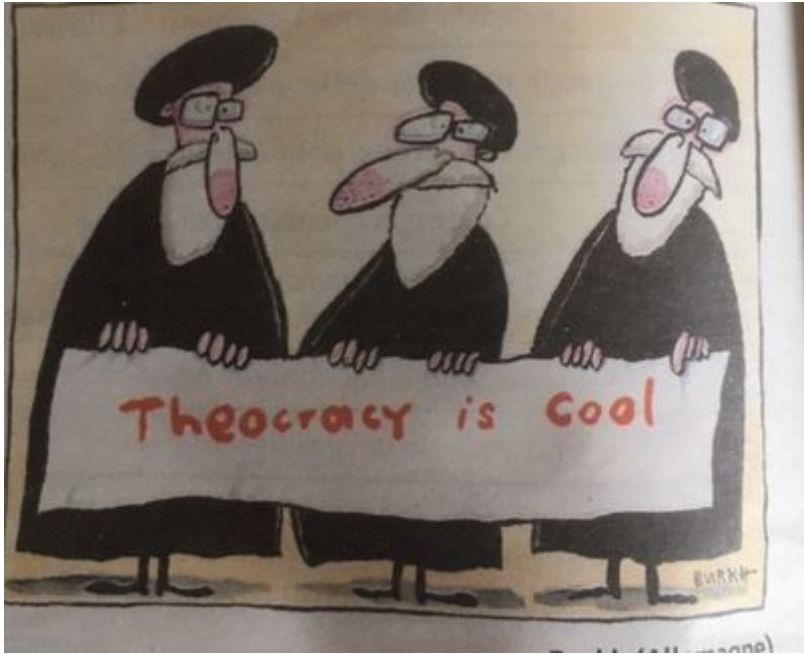
شارلی ابدو

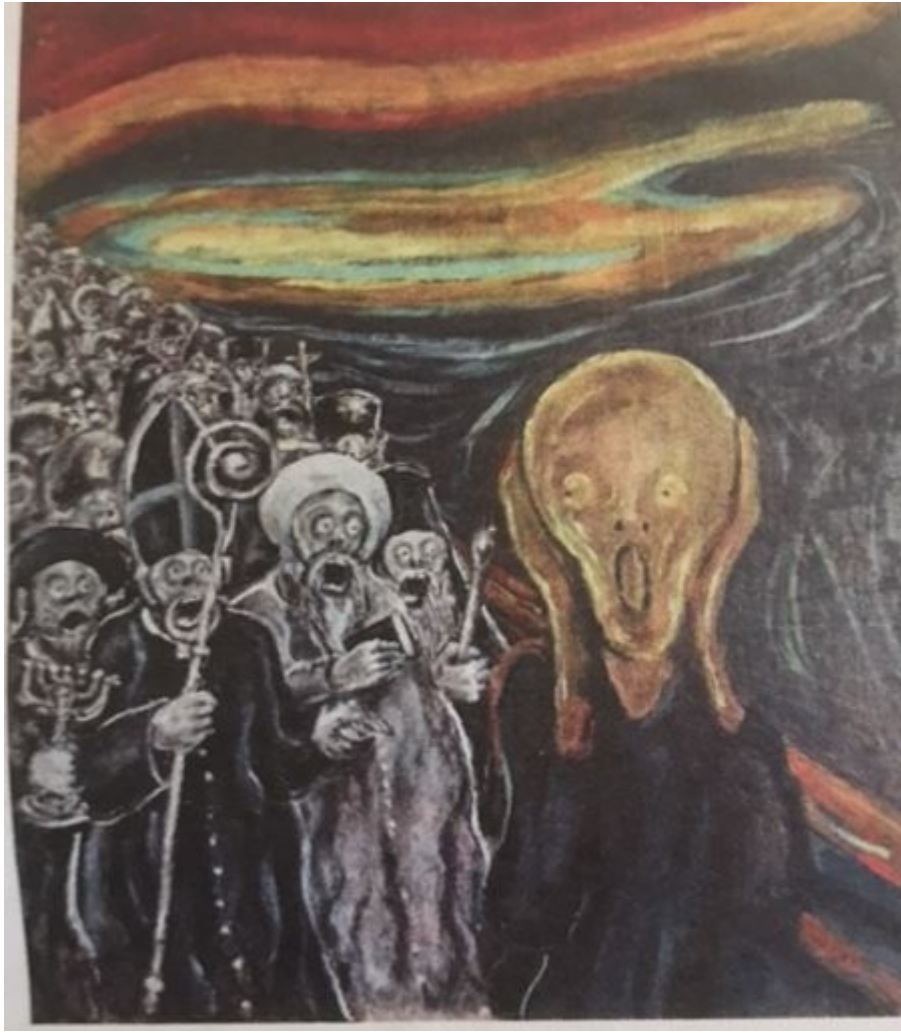
کاریکا تورهایی از شماره ویژه
۷ ژانویه ۲۰۲۵



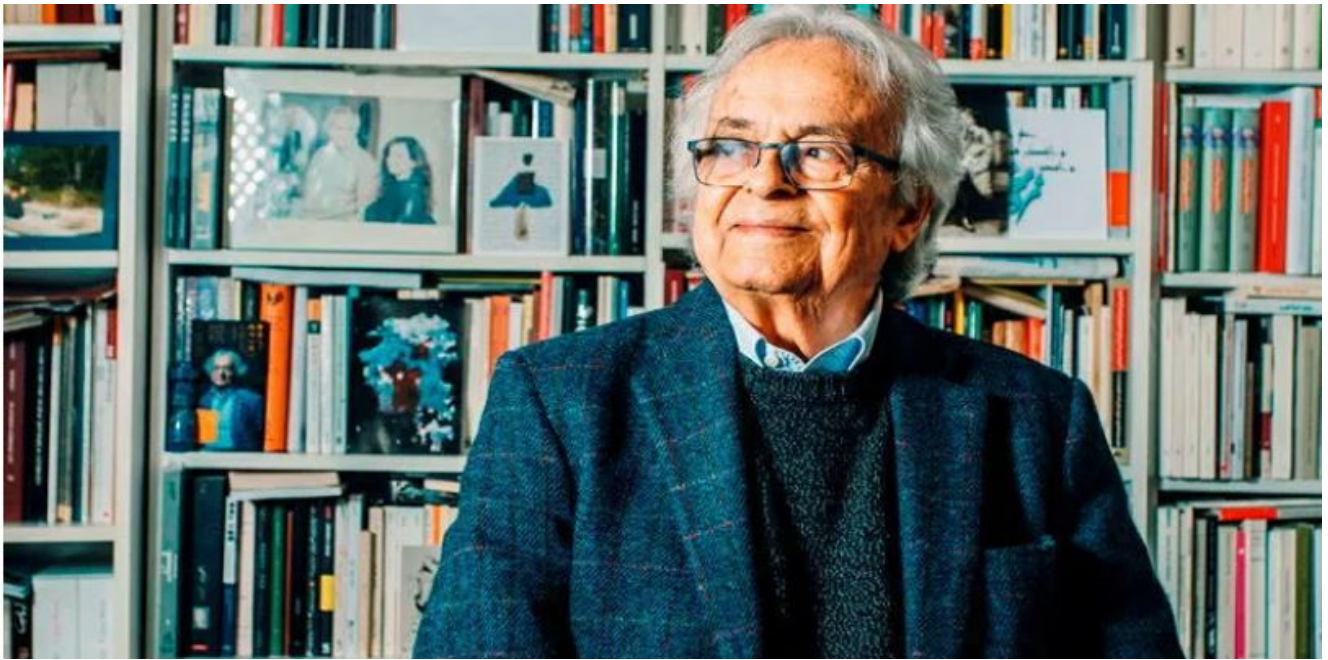








مصاحبه با ادونیس، شاعر بزرگ
سوری



اَدونیس در نگارشخانه اش: «...»
...».

مصاحبه مجله فرانسوی لوپوئن با اَدونیس، شاعر بزرگ سوری "جهان نیاز به آغازی دیگر دارد" ترجمه و مقدمه‌ای از شیدان وثیق

به مناسبت باز انتشار «دگردیسی‌ها، مهاجرت»، اثر اَدونیس، شاعر
پراوازه سوری، گفتگویی با او در محل اقامتش در پاریس انجام
گرفت. این مصاحبه توسط والری مارن لامسله تنظیم و در مجله
فرانسوی ... در 25 دسامبر 2024 منتشر شد. در زیر، پس از
مقدمه مترجم، ترجمه‌ی مقدمه ... و متن مصاحبه را در اختیار
خواننده قرار می‌دهیم.

مقدمه مترجم

علی احمد سعید اسبیر، شاعر نامدار سوری، روشنفکری نوآور،

که حقوق زنان و مردان، آزادی‌ها و آرزوهای آنان را محترم می‌شمارد، بنیاد نکنیم، به گونه‌ای که در چنین جامعه‌ای دین و مذهب تبدیل به امری شخصی گردند، ما هرگز از رکود و پسرفتی که در آن قرار داریم خارج نخواهیم شد.»

« زن و مرد واحدی تقسیم‌ناپذیر اند. مرد آزاد نیست اگر زن تحت فرمان باشد... قرآن، همچون کتاب مقدس، برتری و تقدم را به مرد می‌دهد، اما چنین برداشتی، خود هستی را تحریف می‌کند. مسأله، پس بدین ترتیب، از مذهب و دین برمی‌خیزد. و من نه تنها ضد دین هستم بلکه په همان اندازه نیز ضد تک‌خدایی‌ام، به‌ویژه در مورد آن چه که مربوط به نگاه و بینش دینی نسبت به زن می‌باشد. من بر این باورم که تک‌خدایی آغاز انحطاط وجود بشری است.»

« امروزه، مهم‌ترین مسأله، بنا نهادن و استقرار لائیسیته است... بیروت همیشه در گرداب باقی خواهد ماند تا زمانی که لائیسیته در آن جا برقرار و مستقر نشود. این بدین معناست که باید به طور اساسی مذهب و دین را از جامعه جدا کرد. مذهب یک تجربه‌ی شخصی و یک رابطه فردی بین انسان و خداست و نباید در نهادهای جامعه یا دولت دخالت نماید.»

«اوضاع کنونی خاورمیانه ثابت می‌کند که سیاسی کردن دین یعنی نابود کردن جامعه. و من تنها از اسلام سخن نمی‌گویم، بلکه این موضوع حتا در مورد مسیحیت و یهودیت نیز صادق است. این دین است که امروزه مسأله است و همیشه مسأله شده است.»

این ایده‌ها، برای کنشگران اجتماعی ایران که در راه کسب آزادی، جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین، برابری و به‌طور کلی رهایی از سلطه‌ها تلاش و مبارزه می‌کنند، بسی ارزشمند، آموزنده و تأمل برانگیز است. مسأله اساسی، امروزه در همه جا در جهان و از جمله در ایران، بر خلاف نظریه‌ی دولت‌گرا، قدرت‌طلب یا اقتدارگرا، که امروزه بر بسیاری از فعالان سیاسی از گرایش‌های راست و میانه تا چپ توتالیترا غالب است، به راستی به قول ادونیس در مصاحبه‌اش، مسأله‌ی قدرت سیاسی، رژیم، رژیتم، تتسخیر آن و احتمالاً تغییر

آن نیست. مسأله‌ی اساسی و تعیین‌کننده، به واقع، تغییر خود-جامعه به دست خود و در هم‌کوشی با خود است. به بیانی دیگر، مسأله بر سر تغییر بنیادین خود-جامعه و مردمان آن است، به صورتی خودمختار و مستقل. مهم، در درجه اول، این است که خود-انسان‌ها و مردمان تغییر کنند و دگرگون شوند. این امر نیز، به گونه‌ی فردی و جدا از هم امکان‌پذیر نیست، بلکه تنها از راه و در پروسه مبارزات‌شان، جنبش‌های اجتماعی‌شان، تشکل‌ یا بی‌های مدنی‌شان، همبستگی‌های‌شان، با حفظ چندگانگی و پلورالیسم، با پذیرش اختلاف‌ها و تضادهای‌شان... میسر خواهد بود. در این میان، در کشورهای موسوم به اسلامی، چون ایران، مسأله بر سر دین و اسلام و سلطه‌ی آن در میدان‌های گوناگون است. در سطح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیکی و غیره. در کشورهای تحت نفوذ دین و سنت، بازهم از جمله در ایران ما، مسأله به بیانی دیگر این است که بدون خارج شدن امور کشوری، عمومی، اداری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری... از سلطه‌ی دین، اسلام و شریعت آن، یعنی بدون آن چه که به راستی ادونیس، و ما نیز، لائیسیته می‌نامیم، امکان ایجاد حداقل جامعه‌ای دموکراتیک و مدرن در آزادی، برابری و جمهوریت میسر نخواهد شد. مشکل اساسی، پس بدین‌ترتیب، رژیم سیاسی نیست، اگر چه تغییر آن و براندازی دیکتاتوری لازم و ضروری است، بلکه دین است. و پاسخ اساسی به این معضل نیز مبارزه علیه دین و دین‌سالاری در ذهنیت سیاسی - اجتماعی خود جامعه و مردمان آن است. در این میان نقش و وظیفه‌ی تاریخی و روشنگرانه‌ی کنشگران لائیک در ترویج لائیسیته در ایران صد چندان می‌شوند.

شیدان وثیق،

پاریس، ژانویه 2025

مقدمه لوپوئن

در قله برجی که زندگی می‌کند، در آپارتمانی واقع در حومه‌ی شمال غربی پاریس، به نام لوپوئن، ادونیس در باتاق کتابت‌اش را به روی ما باز می‌کند. جایی که در عین حال کارگاه نقاشی او است. زیرا که شاعر هم‌چنین با طرح‌ها و کلاژهای روی هم چیده شده بر زمین، افکار خود را بیان می‌کند. در حالی که تاچه‌های

مصاحبه با ادونیس

لوپوئن: چگونه شما این روزهای پرتحول در کشور زادگاهتان، سوریه، را می‌گذرانید؟

ادونیس: مطلقاً در هیچ زمینه‌ای از سقوط رژیم متأسف نیستم. من در سال 1956 در مخالفت با رژیم، سوریه را ترک کردم و از آن زمان موضع من تغییر نکرده است. مسأله چندان بر سر تغییر رژیم نیست تا تغییر جامعه. یعنی این که چه نوع جامعه‌ای می‌خواهیم ایجاد کنیم؟ اگر یک جامعه‌ی مدنی لائیک، که حقوق زنان و مردان، آزادی‌ها و آرزوهای آنان را محترم می‌شمارد، بنیاد نکنیم، به گونه‌ای که در چنین جامعه‌ای دین و مذهب تبدیل به امری شخصی گردند، ما هرگز از رکود و پس‌رفتگی که در آن قرار داریم خارج نخواهیم شد. اما من اطمینان کامل دارم که سوریه روزی موفق به ایجاد جامعه‌ی لائیک خواهد شد که در آن تمامی آزادی‌ها محترم شمرده می‌شوند.

آیا این استودیویی که ما در آن هستیم، به شما اجازه می‌دهد که به دور از درهم‌ریختگی جهان کار ادبی کنید؟

در این جا، من کوشش می‌کنم زمانی ایجاد کنم در درون زمان. این مکان [اتاق کتابت - مترجم]، محل همه‌ی چیزی است که فقط به من تعلق دارد. من همیشه پروژه‌های بسیاری برای انجام کارهای نو در دست دارم. در دنیای هنر، شگفت‌انگیز است که انسان همیشه خود را در آغاز کار احساس می‌کند. زیرا هیچ چیز به صورت نهایی و قطعی گفته نشده است. و این همان چیزی است که مذهب و ایدئولوژی را از آفرینش هنری جدا و متفاوت می‌سازد. مذهب یک پاسخ است. در نتیجه، مذهب، هیچ چیز برای گفتن ندارد. هنر اما یک پرسش است، پس چیزی برای گفتن دارد. هر آن گه که هنر نیز ادعا کند پاسخی دارد، آن وقت تبدیل به ایدئولوژی می‌شود، یعنی به مذهبی دیگر.

چه کسی بود اَدونیس در بیروتِ سالهای 1960، در زمان انتشار جُنْگی که امروز دوباره ترجمه میشود و چهارمین کتاب شما ست؟

من، همراه با دوستم، یوسف الخال، یکی از بنیان‌گذاران بزرگ‌ترین مجله ادبی به نام □□□ بودم که نقشی تعیین‌کننده در گسترش شعر عربی ایفا کرد. در این نشریه، ما کمابیش تمام آثار شاعران بزرگ فرانسوی و عرب را منتشر می‌کردیم. من به فرانسه دعوت شدم و در آن جا با نویسندگان و شاعرانی چون آلن بوسکه [Alain Bosquet]، ایو بون‌فوا [Yves Bonnefoy]، پیار ژان ژوو [Pierre Jean Jouve] یا هانری میشو [Henri Michaux] دیدار کردم و رفت و آمد داشتم. همچنین ملاقات با تریستان تزارا [Tristan Tzara] و حتا ژاک پرور [Jacques Prévert]، شاعری که خیلی دوستش دارم و برایم طرحی کوچک روی کاغذ کشید.

در مورد شعر فرانسه، از نظر من، آن چه که به راستی گوهر آن را تشکیل می‌دهد، فرانسه به معنای سنتی کلمه نیست. بلکه این شعر بیشتر محل اقامتِ مردمانی خارج از تمدن فرانسوی، مانند مردمان شرق، است. چه این شعر ضد مآلارمه‌ای است که به نظر من مهم‌ترین جریان می‌باشد. رَمبو را مشاهده کنید، که خیلی بیشتر کیهانی است، بیشتر گشوده و فرای رده‌بندی‌های مطلق قرار می‌گیرد.

در این جُنْگ، گرایش‌هایی با هم برخورد می‌کنند: سوررئالیسم و حتا عرفان [mysticisme]. از این گذشته، آیا شما کمی عرفانی نیستید؟

شاید. اما [عرفانی] بدون مذهب و بدون دُگم! در خلسه، انسان احساس می‌کند که دیگر زندانیِ فردیتِ خود نیست، که در تمامیت جهان حل شده است. من سعی کرده‌ام بین عرفان و سوررئالیسم خویشاوندی‌های ایجاد کنم. سوررئالیسم به دنبالِ پیدا کردن نقطه‌ی ملاقات بی‌نهایت بود، درست همان‌طور که عرفان در جستجوی آن است. اما برای سوررئالیسم یک روش وجود دارد. در شعر، هم‌چون در عشق، هیچ روش و محدودیتی وجود ندارند. هم‌چون هوا، هم‌چون خورشید: فضایی گشوده بر بی‌کران است.

تبعید، میهن («میهن آسب‌پذیری» ، می‌نویسید شما). این واژه‌ها از نظر شما چه می‌خواهند بگویند؟

تبعید در درون فضایی مشخص امکان‌پذیر است، هم‌چنان که در درون

وجودی معین. تبعید در عین حال یک فرهنگ است. میهن اما یک نقطه‌ی آغاز و عزیمت است، یک «ریشه‌دواندن - گشایش» است. من کسی هستم که ریشه نهاده‌ام، اما به صورت درختی که رو به همه سو دارد. مکان، جری از فرد است و نه بر عکس.

زن در آثار شما همواره اساسی است و سوژه‌ی رساله بعدی‌تان می‌باشد. دوران کنونی ما را چگونه می‌بینید، کجا مسائلی چون جنسیت، پوشش و غیره مطرح می‌شوند؟

زن و مرد واحدی تقسیم‌ناپذیراند. مرد آزاد نیست اگر زن زیر فرمان باشد. میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارند، اما این تفاوت‌ها به هیچ وجه امتیاز به‌شمار نمی‌روند. همین تفاوت‌ها بین یک مرد با مرد دیگری وجود دارند. قرآن، هم‌چون کتاب مقدس، برتری و تقدم را به مرد می‌دهد، اما چنین برداشتی، خود هستی را تحریف می‌کند. مسأله، پس بدین ترتیب، از مذهب و دین ناشی می‌شود. و من نه تنها ضد دین هستم بلکه به همان اندازه نیز ضد تک‌خدایی‌ام. به‌ویژه در مورد آن چه که مربوط به نگاه و بینش دینی نسبت به زن می‌شود. من بر این باورم که تک‌خدایی آغاز انحطاط وجود بشری است. اگر عشق و آفرینندگی را نابود کنیم، چه چیز باقی می‌ماند؟ این همانا محصول «معنوی» بینش تک‌خدایی است، که در خاستگاه بینش کتاب مقدس قرار دارد و من رسماً علیه آن هستم (خنده‌ها).

چه باید کرد برای رهایی از چنین بینشی که از نظر شما وجود بشری را به انحطاط می‌کشاند؟

این، در حقیقت، وظیفه‌ی شعر و عشق است. اما، در اصل، امروزه، این دو در بحران به سر می‌برند. بربریت پوشش بر آن‌ها انداخته است.

«ادبیات چه می‌تواند کند، زمانی که نمی‌تواند؟» این پرسشی است که پاتریک شاموازو [Patrick Chamoiseau] در کتاب آینده‌اش در باره‌ی ادبیات در زمان جنگ طرح می‌کند. به همین پرسش، اما در مورد شعر، شما چه پاسخ می‌دهید؟

نویسندگی و به‌ویژه شعر هیچ چیز را نمی‌تواند تغییر دهند. اما شعر می‌تواند و باید نشان دهد، اشاره کند. باید از شعر خواست که روشن نماید و نه تغییر دهد.

اما چه چیزی از نظر شما امروزه اساسی است که باید روشن شود؟ آیا بیروت است که درباره‌ی آن در مارس 1962 جنگی نوشتید؟

بیروت تنها یک شهر نیست، یک سمبل است. کوره‌ی تاریخ تمدن‌ها، ملت‌ها و ادیان است. امروزه، مهم‌ترین مسأله، بنا نهادن و استقرار لائسیته است. بیروت زندگی می‌کرد، زندگی کرده و زندگی خواهد کرد، اما بیروت همیشه در گرداب باقی خواهد ماند تا زمانی که لائسیته در آن جا برقرار و مستقر نشود. این بدین معناست که باید به طور اساسی مذهب و دین را از جامعه جدا کرد. مذهب یک تجربه‌ی شخصی و یک رابطه فردی بین انسان و خداست و نباید در نهادهای جامعه یا دولت دخالت کند.

و در خاورمیانه نیز همین‌طور است؟

اوضاع کنونی خاورمیانه ثابت می‌کند که سیاسی کردن دین یعنی نابود کردن جامعه. و من تنها از اسلام سخن نمی‌گویم، بلکه این موضوع حتا در مورد مسیحیت و یهودیت نیز صادق است. این دین است که امروزه مسأله است و همیشه مسأله شده است. موضوع بر سر زمین، مردم، طبیعت و انسان‌ها نیست. و سیاست غربی نیز این را فهمیده است که از گذشته تا کنون انسان‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهد، ملت‌ها را بازیچه دست می‌کند. غرب، زندگی‌اش را و اقتصادش را بر دیگری بنا نهاده است. او نمی‌تواند آزاد کند آن‌هایی را که خودش مستعمره‌ی خود کرده است.

آن چه که امروز بین اسرائیل و فلسطین می‌گذرد، از همین قرار است. غرب خاورمیانه را از دست عثمانی‌ها آزاد کرد، اما برای نشستن در جای ترکیه عثمانی بود و نه به خاطر عشق نسبت به عرب‌ها و مسلمان‌ها! بر عکس، این کار را کرد با تنها دورنمای حکمرانی بر آن‌ها. استعمار جزئی از تمدن غربی است. رهایی از آن، پیکاری است درازمدت.

آیا، همان‌طور که بعضی‌ها از خود می‌پرسند، شرق نفرین شده است؟

اگر نفرین شده است، پس غرب باز هم بیشتر نفرین شده است. غرب کنونی، به هر آن چه که به ما داده است خیانت می‌کند، به هر آن چه که به ما آموخته است چون تمدن، حقوق بشر، انقلاب فرانسه و غیره. آن چه که اکنون به ما می‌هد کیمیا نیست بلکه زهر است.

برای نمونه، او هیچ‌گاه برای یک جامعه لائیک در خاورمیانه کار نکرده است، بسان کاری که در جوامع در غرب انجام داد. غرب به شرق خود خیانت کرد؛ به جای مشارکت با شرق برای مدرنیته، او را مستعمره خود کرد. اما باید پذیرفت که ما شرقی‌ها نیز بخش بسیار بزرگی از مسئولیت را بر دوش داریم.

چرا اشعارتان را با نام واقعی خود امضا نمی‌کنید؟

چه معنایی دارد اسم واقعی؟ کی اسم واقعی دارد؟ چه کسی؟ از خدا آغاز کنیم. باید از نام خود خارج شد. عارفان بزرگ همیشه چنین گویند. موجود بشر، آن چه که در درونش است، فراخ‌تر و بزرگ‌تر از نام است. نام بیانگرِ تمامیت نامبرده نیست.

[** لینک به متن مصاحبه به فرانسه در مجله لوپوئن](#)

سال نو 2025 مبارک



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران
سال نو 2025 را به جهان نیان تبریک
می گوید

در سال 2025

به مبارزه برای استقرار و استحکام
آزادی، جمهوری، دموکراسی، لائیسیته و حقوق بشر
در سراسر جهان
ادامه می دهیم

ستیزه با آزادی اندیشه و بیان



سند

گ مزار غلامحسین ساعدی و ستیزه با آزادی اندیشه و بیان

به تازگی گورستان پرلاشیر پاریس شاهد کُنش برخی از دار و دسته های اوباش آزادی ستیزی شد که تاب مخالفت با جنایت ها و کردارهای پلید رژیم شاه را نداشتند و با آلودن سنگ مزار غلامحسین ساعدی، نویسنده انسانیمدار و آزادیخواه یکی از شاخص ترین منتقدان استبداد و سرکوبگری رژیم شاه، سنگ مزارش را به کثافت



وجود خود آلودند.

بی تردید، در برابر هر انتقاد، می توان به پاسخ انتقادی پرداخت و این ابتدایی ترین شرط زنده ماندن آزادی اندیشه و بیان است. جامعه بشری در درازای زیست بود خود همواره در این راه و فراز و فرودهای آن تلاش کرده و خواسته است با پالایش منش و کردار خود

زندگی را دلپذیرتر کرده و امکان دوری از پلیدی و تک نگری را فراهم آورَد.

اما حکومت های آزادی ستیز و سلطه جو در سرتاسر تاریخ، مدام با این کردار نیک بشری سرِ مخالفت داشته اند و با پیشه کردن آزادی ستیزی، کوشیده اند راه اندیشه ورزیِ آزاد و بیانِ نو را به هر شیوه ممکن سد کنند. در این راستا، غلامحسین ساعدی به عنوان یکی از پشتیبانان پیگیر آزادی و مردمداری، از سوی هر دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی مورد آزار و محدودیت و زندان بوده است و اکنون حتی سال ها پس از مرگش، این پسمانده های رژیم سلطنتی و دشمن آزادی با درپیش گرفتن کثیف ترین عملکردها که نشان از بی فرهنگی آنان دارد، برنمی تابند که نام و سنگ مزار او، هزاران فرسنگ دور از زادگاهش هم در امان باشد. این بی خردان و بی فرهنگان به خیال خود می کوشند انتقامِ ناکامی های ناشی از کردار پلشت خود را با زشتکاری از سنگ مزار او بگیرند. چنین کردار موهن و زشتی از نگاه تیزبین مردم آگاه و آزادیخواه جامع ما پنهان نمی ماند و ماهیت کُنش های آلوده به اِدبار آنان هرچه بیشتر آشکار و در برابر دید همگان قرار خواهد گرفت.

کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید» نیز، همگام با مردم ایران، بی حرمتیِ نابخردانان این مزدورانِ ضد فرهنگ را به شدت محکوم میکنند و از افشای هر آنچه بر روند گسترش یابند حق آزادی اندیشه بیان بی حد و حصر و استثنا با هر انگیزه ای خدشه وارد کند، دریغ نخواهند ورزید.

کانون نویسندگان ایران «در تبعید» - انجمن قلم ایران «در تبعید»

۲۵ دسامبر ۲۰۲۴